

بابی فیشر نابغه شطرنج درگذشت



شد. فیشر که از ضرب هوشی صد و هشتاد و شش برخوردار است، بیست سال تمام در پنهان و به دور از جار و جنجال زندگی کرد. تنها در یک بازی تلافی جویانه در برابر بوریس اسپاسکی بود که فیشر یک بار دیگر در ۱۹۹۲ ظاهر گشت. مسابقه در بلگراد برگزار شد و برنده شدن فیشر پنج و تیم میلیون دلار جایزه برای وی به همراه آورد. فیشر پس از این مسابقه نتوانست صربستان را ترک کند چرا که به عقیده مقامات آمریکایی وی با این مسابقه، قوانین تحریم اقتصادی علیه صربستان و مونتته نگر را زیر پا نهاده بود و باید دستگیر می شد. کمی پیش از به پایان رسیدن دوره ریاست جمهوری جرج بوش پدر، وزارت امور خارجه آمریکا فرمان دستگیری وی را لغو کرد. از آن زمان دیگر کسی بابی فیشر را ندید تا اینکه خبرگزاری ایسلند امروز هجدهم ژانویه ۲۰۰۸ خبر مرگ این نابغه قرن را اعلام کرد.

بنا به گزارش تلویزیون ایسلند بابی فیشر قهرمان پیشین شطرنج جهان در سن شصت و چهار سالگی در این کشور درگذشت. این شطرنج باز آمریکایی تبار از سال ۲۰۰۵ در ایسلند زندگی می کرد. فیشر پیش از آن طی یک جنجال تابعیت آمریکایی خود را پس داده بود.

بابی فیشر که وی را نابغه شطرنج می خواندند در سال ۱۹۷۲ شهرت جهانی یافت چرا که به عنوان نخستین آمریکایی در کساکش جنگ سرد در یک مسابقه در برابر بوریس اسپاسکی، شطرنج باز شوروی، قرار گرفت و مقام قهرمانی شطرنج جهان را از وی ربود. دیوید ادمندز و جان آیدینوف، خبرنگاران بی بی سی، در کتاب خود به نام «بابی فیشر به جنگ می رود» از عملیات متعدد جاسوسان کاگ ب در طول مسابقه یاد شده پرده برداشتند. جاسوسان شوروی تلاش می کردند تا ترندهای مختلف از میدان به در شدن قهرمان شوروی را از این مسابقه که آن را «مسابقه قرن» می خواندند، توجیه کنند.

ابتدا این شایعه را پخش کردند که مربی اسپاسکی استراتژی های مخفی وی را به فیشر لو داده است. بعد گفتند در آب میوه اسپاسکی زهر ریخته اند و لیوان آب میوه را برای آزمایش با هوایما به مسکو بردند. آخر سر هم یک دستگاه در صندلی بابی فیشر کار گذاشتند تا اینطور نشان دهند که اسپاسکی قربانی حمله تشعشعات آمریکائیان شده و به همین دلیل باخته است. اما وقتی فهمیدند که ممکن است رادیولوژی از این صندلی حمله آنها را برملا کند، دستگاه را از صندلی خارج کردند. بابی فیشر پس از این پیروزی از این که یک بار دیگر در برابر یک شطرنج باز شوروی یعنی آناتولی کارپوف قرار بگیرد، امتناع کرد و به این ترتیب کارپوف بدون رقیب قهرمان جهان

ناگفته های برانکو از پشت پرده فوتبال ایران

در گفتگو با مجله چلچراغ



غلطی است که سال ها در فوتبال ایران بوده. شما نگاه کنید قبل از آمدن بلاژیویچ همیشه در تیم ملی به یک اندازه مثلاً هفت، هشت بازیکن از پرسپولیس دعوت می کردند، هفت، هشت تا از استقلال، این تفکر حالا تغییر کرده. یعنی الان از فولاد و سپاهان و پاس و... بازیکن بیشتری دعوت می شوند تا پرسپولیس و استقلال. این روند فوتبال باید تغییر کند که در این سه، چهار ساله تغییر هم کرده. قبلاً تیمی اگر از این ها مساوی می گرفتند برایش یک موفقیت بزرگ بود. اما الان شما می بینید سایپا می آید و به قصد پیروزی بازی می کند و پرسپولیس را می برد. پیکان هم از استقلال امتیاز گرفت هم از پرسپولیس. بقیه تیم ها را هم که خودتان می دانید. معتقدم بعد از این تغییرات شتاب این ماجرا بیشتر هم می شود. استقلال که فصل قبل نهم شد و فقط نیکبخت واحدی را زیر ۲۳ سال داشته، حالاً طالب لورا دارد صادقی را دارد، لطفی و قربانی را دارد. به پاس نگاه کنید که نصرتی، شکوری، برهانی و نکونام را دارد. فولاد را ببینید. کل تیم ملی را آنها با جوانانسان ساپورت می کنند. یا سپاهان با نوید کیا که یک بازیکن بین المللی است، کریمی، صالح نیا و... من معتقدم که ما بالاخره موفق شدیم چشم ها را باز کنیم. استانکو، ایویچ، بگوویچ، چیرو، من و... هر کدام سعی کردیم یک اثری در این ماجرا باقی بگذاریم.

* برگردیم به دوره بلاژیویچ، از فشاری که آن موقع روی تیم بود و مسائل پشت پرده ای که سعی در تخریب داشت حرف بزنید.

باید در نظر بگیریم که ما مربیان همه با هم فرق داریم. هم به لحاظ شخصیتی هم نحوه برخورد. چیرو آمد به ایران با عنوان مربی تیم ملی کشور که توانسته بود در آن زمان مقام سوم جهان را کسب کند. چیرو از طرف مربی های جهان به عنوان بهترین مربی سال ۱۹۹۸ جهان انتخاب شده بود. طبیعتاً جنجال هایی که اتفاق افتاد و همه اش هم کذب و بر اساس دروغ بود، او را می آزرده. آن جریان متأسفانه موفق شد به ایشان آسیب برساند. مخصوصاً در راستای تخریب چیره و تحقیر ایشان. چیرو دیگر جوان نبود که بخواهد دوباره خودش را به لاج بازی های سایرین اثبات کند. او انتظار جوی مثبت داشت برای پیشبرد کار تیم ملی به سوی جلو و پیشرفت. این جو مثبت اولین پیش شرط است برای کسب نتیجه. طبیعتاً این کار را بدون کمک روزنامه نگاران نمی شود انجام داد، دقت کنید که اذهان عمومی را روزنامه نگاران شکل می دهند. من باور دارم که وقتی روزنامه نگاران سه مرتبه موضوعی را بنویسند، آن موضوع در بار چهارم نزد اجتماع تبدیل به یک واقعیت شده است! روزنامه ها تخیلات مردم را بهم شکل می دهند. در آن دوره اما گروهی، چیزهایی را نوشتند که اصلاً اتفاق نیفتاده بود. آنها به این ماجرا دامن زدند. در چنین موقعیتی و در میان دروغ پردازی ها معمولاً چیره و عصبانی می شد. آنها هم متوجه واکنش نشان دادن ایشان شدند و توانستند ماجراها را به جنجال بکشانند، اما من فرق میکنم. مطمئناً هرگز شما با هیچ مربی ای که این قدر خودش را در اختیار روزنامه نگاران قرار بدهد برخورد نخواهید کرد. او در هر لحظه پاسخ مثبتی می داد حتی در ساعت دو بعد از نیمه

مصاحبه گر: حدود دو ماه پیش که مصاحبه های پشت پرده فوتبال ایران را به چلچراغ سپردم برای چاپ، توضیح دادم که این گفتگو ها بین سال ۸۲ تا ۸۴ انجام شده، تلاش من بر این بود که حدود ۲۵ سال از فوتبال ایران و بعضی مسائل پشت پرده اش را واکاوی کنم. هر چند در مرحله چاپ و خطوط فرمز گاهی حرف ها ابتر می شد. این آخرین گفتگو از آن مجموعه است قضاوت با شما.

برانکو ایوانکویچ، همان کسی که به عنوان دستیار میروسلوبلاژیویچ و با لقب پروفیسور به ایران آمد، امروز دیگر یک چهره شناخته شده است. او بی تردید در تجربه حضور چند ساله اش در ایران مسائل حاشیه ای بسیاری را شاهد بوده. او از آنچه که بر سر بلاژیویچ رفت می گوید، و از پامردی صفایی فراهانی در خدمت به فوتبال. او دیگر خیلی چیزها را در فوتبال ما می داند. حتی می داند که وقتی یک استادیوم نام او را با شادی فریاد می زنند، شاید مسئولان فدراسیون فوتبال چندان خوشحال نباشند! حکایت غریبی است حکایت فوتبال ما. من برای این گفتگو خواستم که مترجم سابق تیم ملی (رضا چلنگر) کار ترجمه را به عهده بگیرد و رضا دوستانه بپذیرفت. او هم ناگفته های بسیاری از این فوتبال دارد. مخصوصاً از پشت پرده علامت سوال بزرگ فوتبال ما یعنی باخت به بحرین در مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲. رضا اما ترسانده اند! گفته اند نکو. چند اسم به من می گوید و می خواهد که درج نکم. به بعضی بازیکنان یک تیم خاصی اشاره می کند! می گوید ننویس، برابم بد می شود. ما رضا را دوست داریم. پسر خوبی است. پس اسمی را یک گوشه ذهن یادداشت می کنیم برای ... شاید وقتی دیگر!

* یک مسئله حاشیه ای در فوتبال امروز ما فشاری است که بر شما وارد می آید تا دایی را حذف کنید. باور خود من این است که او در تیم ملی مهره ای بسیار کارآمد است و باید بماند، اما شما خودتان این حرف ها را چطور ارزیابی می کنید؟

من نمی دانم چرا به او حمله ور می شوند. اینها مقاصد بدی دارند. اینها دنبال منافعی خاص هستند. می خواهند دایی را تحقیر کنند. قصد ایجاد درگیری در داخل تیم ملی را دارند. حتی می توانم بگویم که این ها خواهان پیروزی تیم ملی نیستند. چرا دائماً اطراف او سوال مطرح می شود. چرا کسی نمی پرسد که چرا عزیزتی در پاس تعویض نمی شود؟ یا بازیکنان دیگر، دایی تا مورد نیاز تیم باشد بازی خواهد کرد. می گویند سن دایی بالا رفته. کاستاکورتا که ۳۸ سال سن دارد برای قهرمانی تیمش می جنگد. پائولو مالدینی در تیم ایتالیا همین طور. بلانکو را برای منچستر خریدند با ۳۵ سال سن. و بسیاری از بازیکنان دیگر در سطح جهان که سنشان هم به مراتب بیشتر از دایی است. از دایی تا نهایت زمانی که بشود استفاده برد استفاده خواهیم کرد. من فکر می کنم حضور او مزاحم عده ای است! او نتایج فوق العاده ای کسب کرده. تحصیل کرده است، با تکیه بر توانایی های خودش درآمد هنگفتی کسب کرده و این عده ای را اذیت می کند. به همین خاطر به جای این که او را الگو کنند می خواهند دستاوردهایش را تخریب کنند. علی دایی در این بازی سال هایی که من او را می شناسم، هیچ وقت فکرش دنبال حاشیه نبوده. گفته چرا این کس بازی می کند، آن یکی بازی نمی کند. دایی به من گفت من تنها تا زمانی که لازم باشد می مانم. اگر معتقد توانایی ندارم بدون هیچ دلخوری خواهم رفت. الان یک جریان حاشیه ای، یک فشار مداوم را روی دایی متمرکز کرده است. او موفق شده رکورد گلزنی در جهان را بشکند. یک رکورد ۳۵ ساله که این خیلی مهم است. من معتقد بودم این رکورد از پیروزی ما مقابل لائوس مهم تر بود. چون باز هم پیروزی برای ما خواهد بود، اما ثبت رکورد برای فوتبال ایران که سال ها ماندگار خواهد بود بسیار مهم است، می بینم حتی بعضی از روزنامه های خاص، به این موضوع اشاره هم نکردند! عده ای دارند هدفمندانه این کارها را می کنند.

* این طرز تفکر از کجا می آید؟
من با این مورد خاص کار ندارم. من می خواهم بگویم این تفکر

با امضای قراردادی شش ماهه فریدون زندی به المپیاکوس نیکوزیای قبرس پیوست



به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، زندی که فصل گذشته در تیم اپولون قبرس حضور داشت با امضای قراردادی شش ماهه به تیم المپیاکوس نیکوزیای این کشور پیوست.

ملی پوش تیم ملی ایران در تیم فصل رقابت های اروپایی در هیچ تیمی بازی نکرده بود. پیش از پیوستن زندی به نیکوزیا شایعه هایی مبنی بر حضور این بازیکن به تیم های اماراتی شنیده می شد اما، زندی خود تمایلی به حضور در این تیم ها نداشت.

تیم های الوصل و الشارجه امارات جدی ترین پیشنهادها را برای جذب زندی مطرح کردند.

این بود که از این جنجال ها و حاصل این غوغاها درآمذزایی کنند. به طور قطع نتایج کسب شده به نفع بعضی از افراد نبود، چرا که آنها آن وقت جایگاهشان را از دست می دادند. معنی هر پیروزی تیم ملی این بود که بودن آنها هم می شود نتیجه گرفت و خوب هم نتیجه گرفت! همین برای آنها مشکل ساز بود. شما خودت بهتر از من می دانی کی بودند. ولی با بدجنسی می خواهی حرف را از زبان من بکنی و من اینها را به زبان بیاورم! شما که مفسر فوتبال هستید باید اسم این ها را بیاورید.

* آیا جریانات خبری و روزنامه های نزدیک به یک تفکر خاص و یک فرد خاص که پشت دفاع از خداداد عزیزتی قائم شده بودند، چقدر در این جریان دخیل بودند؟ شما خودت می دانی و می توانی اسم ببری.

شب * مشخصاً به جریاناتی که این جو منفی را ایجاد کردند اشاره کنید. عرض کردم که مشکلات چطور بود، یک عده به صورت بسیار حرفه ای در واقع داشتند به شکلی مرتب، آب دهن پرتاب می کردند به سمت بلاژیویچ تا او را عصبانی کنند.

* خوب این ها کی بودند؟
از مربیان گرفته تا خبرنگاران، عده ای هم بودند که مسئولان ورزشی بودند. بلاژیویچ بهترین مربی جهان در سال ۹۸ و صاحب عنوان سوم دنیا در جهان در جام جهانی بود. نمی شد بگویند او چیزی بلد نیست! او در یونان، کرواسی، بلژیک و... مربی بود. فقط که به ایران نیامده بود.

* وقتی بلاژیویچ نتوانست تیم را به جام جهانی ببرد، نظرسنجی ها نشان میداد که نزدیک به ۸۵ درصد مردم خواهان ایفای او در سمت سرمربی گری تیم ملی هستند و این یک اتفاق نادر در فوتبال ما بود. می خواهم بگویم آن جریاناتی که شما اشاره می کنید جریانات مردمی نبوده اند. پس از کجا حمایت می شدند؟

خب من و شما که می دانیم! همین آقای چلنگر خوب می داند! کسانی که به بعضی رسانه ها نزدیک بودند و نمی خواستند یک تفکر خاص نتیجه بگیرد، این کار را کردند. تفکری که به دنبال

* مثلاً خبر ورزشی.
خب الان خودتان گفتید می دانید که آنها آگاهانه داشتند جو تیم ملی را به هم می ریختند. یعنی آنها علیه فوتبال ایران و علیه موفقیت تیم ملی کشورشان کار می کردند. من هم این ماجراها را حس می کنم، اما خب آدم کله شقی هستم و سعی می کنم کار خودم را بکنم.

دنباله مطلب در صفحه ۴۱

Save Your Equity & Still Receive Exceptional Service

"Let my 18 years of experience work for you"

برای اخذ بهترین وامهای مسکونی با «پولین مایل» تماس حاصل نمائید.

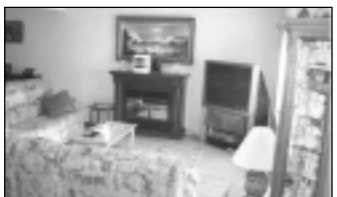
SELLERS: Sell your home for only 3.5% total commission
BUYERS: Receive up to 1% of the sales price back as credit
Refinancing/Loans: Best rates & the lowest fees in town

We are always hiring agents, call for details

جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد لیستینگ های زیر لطفاً با من تماس بگیرید.



4bd / 2.5 ba home, totally upgraded, delightful back yard with a pool, rooms, washer/dryer/refrigerator, Almaden's wonderful schools (Leland central AC, 2 car Garage, Perfect High & Bret Harte & Williams!), San Jose, complex, 24 hours security patrol, Listing Price: \$1,299,000



Town home, 4 bedrooms, 2.5 bath, seller motivated., San Jose Price: \$538,950.00



3 bd / 2 ba home. Ready to move in. Bamboo hardwood floors, gas fireplace, remodeled kitchen, perfect location, easy commute. O.k to show on Tues., Thurs. & Fridays. Please call Poline to make an appointment. San Jose, Price: \$665,000



Gorgeous home, located in a great Santa Teresa neighborhood. 4bd/ 2.5ba, fully remodeled, marble floors, recess lighting through-out. San Jose, Price: \$879,950



POLINE MAEL
Office Manager
Realtor/Lender
Cell: 408-561-5770
Office: 408-227-8560
5450 Thornwood Drive, Suite M
San Jose, CA 95123
Lic. #01076828